



University of Tehran Press

Private Law

Home Page: <https://jolt.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-6209

Analysis of the Legal Nature of the Right of Reclamation in Literary Works (A Comparative Study)

Safar Beigzadeh 

Research Group on Information Ethics and Law, Institute for Information and Society, Iranian Research Institute for Information Science and Technology (IranDoc), Tehran, Iran. E-mail: s.sabaa@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: December 21, 2025
Revised: December 28, 2025
Accepted: February 21, 2026
Published online: 19 May 2026

Keywords:
Iran
Intellectual property law
Author's moral rights
Right of retraction.

ABSTRACT

The right of retraction, a moral right of authors within literary property law, permits the author to withdraw a published work from the assignee. While this right is practically enforceable in Romano-Germanic legal systems like France and Germany, contingent upon assignee compensation for damages and a genuine change in the author's convictions (not mere taste or financial gain), it is not independently recognized in common law jurisdictions. Despite its absence in Iranian law and scholarly objections to its adoption, this study argues for the incorporation of the right of retraction into Iran's intellectual property framework. Employing a descriptive-analytical methodology grounded in documentary and library research, the paper reviews relevant literature, analyzes findings based on intellectual property principles, and proposes legislative recommendations for the Iranian lawmaker, suggesting a pathway to balance authorial moral rights with existing legal structures and public interest considerations.

Cite this article: Bigzadeh, S. (2025-2026). Analysis of the Legal Nature of the Right of Reclamation in Literary Works (A Comparative Study). *Private Law*.22 (2), 209-222. <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.408436.1007445>



© Authors retain the copyright and full publishing rights.
DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.408436.1007445>

Publisher: University of Tehran Press.



تحلیل ماهیت حقوقی حق بازپس‌گیری در اثر ادبی (مطالعه تطبیقی)

صفر بیگزاده

گروه پژوهشی اخلاق و حقوق اطلاعات، پژوهشکده جامعه و اطلاعات، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایرانداک)، تهران، ایران. رایانامه: s.sabaa@yahoo.com

چکیده

در حقوق مالکیت ادبی، حق بازپس‌گیری به‌عنوان یکی از حقوق معنوی مؤلف، امکان بازپس‌گیری اثر از منتقل‌آلیه را پس از عرضه عمومی آن فراهم می‌کند. در نظام حقوقی رومی-ژرمنی، به‌ویژه فرانسه و آلمان، حق بازپس‌گیری کاربردی عملی دارد؛ اما در نظام کامن‌لا، حق بازپس‌گیری به‌عنوان یک حق، شناسایی نشده است. اما اعمال این حق، در کشورهای گروه نخست، منوط به جبران خسارات منتقل‌آلیه است. همچنین اجرای آن تنها در صورت تغییر واقعی عقاید مؤلف امکانپذیر است، نه تغییر سلیقه او یا برای درخواست منافع مادی بیش‌تر. با آن‌که حق بازپس‌گیری در حقوق ایران پذیرفته نشده و حقوقدانان ایرانی معاذیری برای پذیرش آن مطرح کرده‌اند، نتیجه بررسی نویسنده، پیشنهاد به قانونگذار ایرانی برای پیش‌بینی این حق در حقوق مالکیت فکری ایران است. روش بررسی در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ بدین صورت که پس از مطالعه متون مربوط، یافته‌ها بر پایه اصول حاکم بر حقوق مالکیت فکری توصیف و تحلیل شده، پس از جمع‌بندی آن‌ها، پیشنهاد تقنینی به قانونگذار ایران ارائه گردیده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۲/۲۹

کلیدواژه:

ایران

حقوق مالکیت فکری

حقوق معنوی مؤلف

حق بازپس‌گیری

حق عدول.

استناد: بیگزاده، صفر (۱۴۰۴). تحلیل ماهیت حقوقی حق بازپس‌گیری در اثر ادبی (مطالعه تطبیقی). حقوق خصوصی، ۲۲ (۲) ۲۰۹-۲۲۲.

<http://doi.org/10.22059/jolt.2026.408436.1007445>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jolt.2026.408436.1007445>



۱. پیشگفتار

«اصطلاح حقوق فکری نخستین بار در سال ۱۸۹۹ به وسیله پیکار، حقوقدان بلژیکی به کار رفته است و بعضی از حقوقدانان به جای آن، اصطلاح مالکیت‌های غیرمادی، حقوق بر اموال غیرمادی، و حقوق جلب مشتری را به کار برده‌اند» (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۶۹). در ایران، نخستین کوشش «گسترده و مدون» قانونگذاری برای پشتیبانی از حقوق پدیدآوران آثار فکری، قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱) است که از این پس با عبارت «قانون حمایت سال ۱۳۴۸» به آن اشاره خواهد شد.

با آن که حقوق مالکیت فکری در اصل برای حمایت از آثار فکری شخص حقیقی ایجاد شده، امروزه شخص حقوقی نیز در صورت آفرینش اثر فکری از حمایت‌های حقوقی برخوردار است؛ هرچند که این حمایت با انتقاد صاحب‌نظرانی همچون ایکس لینه دِ بلفوندس^۱ روبه‌رو شده؛ زیرا به نظر او: «فلسفه حقوق مؤلف اساساً در پی حمایت از شخص حقیقی است که شخصیت و تخیل او در یک آفرینش ذهنی تجلی یافته است. از این دیدگاه، حق معنوی را باید نوعی حق شخصیت دانست که فقط می‌تواند به اشخاص حقیقی تعلق گیرد» (Hennequin-March, 2016, P. 218).

در میان حقوق ناشی از تألیف یا پدیدآوری اثر که حقوق مادی و معنوی را شامل می‌شوند، حقوق معنوی از این ویژگی برخوردارند که ادامه شخصیت معنوی پدیدآور شمرده می‌شوند و به همین دلیل، حمایت از آن‌ها دارای اهمیت است. از میان این حقوق معنوی که شمار آن‌ها در کشورهای مختلف متفاوت است، حق بازپس‌گیری^۲ (حق عدول)، وضعیتی ویژه دارد. این حق که در کشورهای تابع نظام حقوقی فرانسه غالباً پذیرفته شده، و «با توجه به پیوند تنگاتنگ میان اثر فکری و شخصیت نویسنده قابل توضیح است» (Rikabi, 2019, P. 196)؛ در کشورهای تابع نظام کامن‌لا از حقوق معنوی پدیدآور شمرده نشده است. در حقوق ایران نیز این حق مورد تصریح قانونگذار قرار نگرفته است.

حق بازپس‌گیری که به‌عنوان یک حق معنوی، مستقل از درج آن در قراردادهای مربوط به مؤلف وجود دارد (Fortunet, 2011, P. 535)، صرفاً برای مؤلفان شناخته شده و دارندگان حقوق مجاور از آن بهره‌مند نیستند (کرنو و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۷). همچنین مطابق ماده ۷-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه، حق بازپس‌گیری به‌صراحت از مؤلف نرم‌افزار سلب شده است. طبق این ماده: «جز در صورتی که شرطی مغایر و به سود بیش‌تر نویسنده نرم‌افزار پیش‌بینی شده باشد، وی نمی‌تواند: (۱) با تغییر نرم‌افزار توسط انتقال‌گیرنده حقوق مذکور در بند ۲ ماده ۶-۱۲۲ مخالفت کند، مشروط بر آن که این تغییر به حیثیت یا شهرت او آسیبی نرساند؛ (۲) از حق پس‌گرفتن اثر توسط خود استفاده کند». البته این امکان برای چنین مؤلفانی وجود دارد که از طریق توافق، چنین حقی را وارد قرارداد کنند.

افزون بر این، برطبق ماده ۱-۷-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه: «...[کارگزاران دولت، مقامات محلی، نهادهای عمومی با ماهیت اداری یا مقامات خدمات عمومی مستقل] نمی‌توانند: ... از حق بازنگری یا پس‌گرفتن استفاده کنند، مگر با موافقت مرجع ذیصلاح» (<https://www.legifrance.gouv.fr/codes>). البته اختیاراتی که قانون مالکیت فکری فرانسه برای مؤلف قائل می‌شود در این‌جا به‌شدت محدود شده است، به‌ویژه در زمینه تغییر اثر، به این معنا که مأمور نمی‌تواند با تغییراتی که در راستای منافع خدمت توسط مقام مافوق تصمیم‌گیری شده، مخالفت کند؛ به شرطی که این تغییر به حیثیت یا شرافت او آسیب نرساند. افزون بر این، مأمور مؤلف نمی‌تواند از حق بازپس‌گیری استفاده کند، مگر آن که از پیش موافقت مافوق را کسب کرده باشد» (Hennequin-March, 2016, P. 88-89). اما این محدودیت از سوی حقوقدانان مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا میان کارگزاران بخش خصوصی و عمومی تفاوت قائل می‌شود، در حالی که هیچ توجیه منطقی برای آن وجود ندارد» (Fortunet, 2011, P. 538).

در زبان فارسی، این حق با تعابیر دیگری همچون «حق رجوع»، «حق اصلاح» (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۲۲)، «حق استرداد»^۳، «حق انصراف» (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵ و صاحب و مرادی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵) یا «حق پشیمانی یا بازستانی» (کلمبه، ۱۳۹۰،

1. X. Linant De Bellefonds

2. Retraction Right

3. droit de repentir ou de retrait

ص ۹۷) نیز بیان شده؛^۱ اما از نظر نویسنده، «حق بازپس‌گیری» بهتر می‌تواند مفهوم این حق را بازنمایی کند و از این رو، در صفحه‌های پیش رو، جز در مواردی که متن در قالب نقل قول مستقیم بیان شده، به جای همه اصطلاحات پیشگفته، از اصطلاح «حق بازپس‌گیری» استفاده می‌شود.

این حق که بر یک اندیشه مهم و همچنان معتبر اروپایی استوار است، در «مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا»^۲ و به‌ویژه در حق فرد موضوع داده‌ها برای «فراموش شدن» بازتاب یافته است.

برخی پژوهشگران، **حق پس‌گرفتن اثر** را نشانه‌ای از **برتری حقوق معنوی بر اصل لزوم قراردادها** می‌دانند؛ زیرا این حق به نویسنده اجازه می‌دهد هنگامی که اثر دیگر بازتاب‌دهنده اندیشه او نیست، به‌طور یک‌جانبه قرارداد را فسخ کند؛ زیرا قصد دارد به دلایل شخصی از اثرش جدا شود (Bak, 2022, P. 130). نوروزی، ص ۵۵ و محسنی و قبولی درافشان، ص ۱۹۱، زرکلام، ص ۱۲۲، کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۷). البته «در فضای مجازی حذف کامل هر داده‌ای به‌طور عملی غیرممکن است؛ اما اگر چنین حذفی براساس تغییر در عقاید ذینفع داده باشد و ذینفع مایل به بازپس‌گیری عقایدش باشد، کنترل‌کننده باید بدون تأخیر غیرموجه، پردازش داده‌های شخصی را متوقف و آن‌ها را حذف کند» (Bak, 2022, PP. 136). با این وصف، با آن‌که حق بازپس‌گیری^۳ و حق فراموش شدن^۴، ویژگی‌ها و اهداف متفاوتی دارند، اما هر دو از یک منطق مشترک پیروی می‌کنند و نشان می‌دهند که همان روح اروپایی، همچنان زنده و بسیار ضروری است» (Bak, 2022, P. 120).

نکته درخور ذکر درباره حق بازپس‌گیری آن است که به دلیل وابستگی این حق به شخصیت، مؤلف و پدیدآورنده نمی‌تواند در قرارداد، این حق را به‌طور کلی ساقط یا به شخص دیگری واگذار کند و هر شرط قراردادی که این حق را نفی کند، باطل است (Fortunet, 2011, P. 535, Lucas et al. 2020)

۲. پیشینه بررسی حق بازپس‌گیری

قاسمی با بررسی حق بازپس‌گیری، به رغم اذعان به عدم شناسایی این حق در حقوق ایران، از لزوم وجود آن پشتیبانی کرده و معتقد است: «آن‌جا که به سبب انتشار اثر و پخش نسخه‌های چاپ شده آن، ضرر معنوی غیرقابل اغمازی به مؤلف وارد می‌آید، حق انصراف باید وجود داشته باشد، زیرا اولاً قاعده لاضرر بر قاعده لزوم حکومت دارد، ثانیاً اقدام به ضرر معنوی خود به دلیل ارتباط با شخصیت انسان و حقوق شخصیت، فاقد اثر حقوقی و کان‌لم‌یکن است و کسی نمی‌تواند حقوق مربوط به شخصیت خویش را اسقاط نماید (مطابق ماده ۹۵۹ قانون مدنی ایران) و به علاوه ضرر معنوی اصولاً غیرقابل جبران است. بنابراین بر فرض تضییع مالی طرف مقابل در اثر فسخ قرارداد و تعارض دو ضرر، باز هم قاعده لاضرر به نفع پدیدآورنده جریان خواهد یافت» (قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۵، پاورقی ۱).

صفایی با بیان پذیرش این حق در برخی کشورها نظیر فرانسه، آن را در حقوق ایران قابل قبول نمی‌داند؛ زیرا برخلاف اصل لزوم قراردادها است (صفایی، ۱۳۸۶، ص ۸۶. نیز امینی‌نژاد و صفایی، ۱۳۹۶، ص ۳۴). همچنین زرکلام با توضیح این حق به‌ویژه در فرانسه و آلمان، پذیرش آن را در حقوق ایران به دلیل مغایرت با اصل لزوم قراردادها رد می‌کند (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵. نیز نوروزی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). صاحب و مرادی در مقاله خود کوشیده‌اند با بررسی حقوقی این حق، ضمن رعایت حقوق معنوی پدیدآور از یک سو، و ناشر از سوی دیگر، راه‌حلی برای شناسایی این حق در حقوق ایران ارائه دهند؛ اما تصریح کرده‌اند: «به نظر می‌رسد در چارچوب قواعد موجود، امکان اجرای حق انصراف با تفسیر موسع از قانون فراهم باشد. هرچند بهتر آن است که برای رفع هرگونه شبهه، قواعد خاصی در این خصوص وضع شود» (صاحب و مرادی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳).

سجادی با تکیه بر صراحت بند ۲ ماده ۱۲ قانون حمایت حقوق مخترع و مکتشف و محقق افغانستان (مصوب ۱۳۸۷)،

۱. «استفاده از حق پشیمانی با بازستانی بجز در فرانسه و کشورهایی که قوانین آن‌ها ملهم از قانون فرانسه است، در سایر کشورها نادر است...» «کلمه پشیمانی بیانگر وضعیت درونی و کلمه «بازستانی» بیانگر وضعیت برونی در ابراز عمل واحد حقوقی تلقی می‌شود» (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

2. EU's General Data Protection Regulation

3. Right of Withdrawal: RoW

4. Right to Be Forgotten: RTBF

شناسایی این حق را در حقوق افغانستان بیان می‌کند (سجادی، ۱۳۹۷، ص ۱۳)؛ آن‌هم بر این مبنا که حقوق اخلاقی به شخصیت پدیدآورنده وابسته‌اند و پذیرش نظام دو گانه‌گرا در مالکیت فکری (آن گونه که در فرانسه دیده می‌شود)، این نتیجه را در پی دارد که اصل، برتری و ارجحیت حقوق مربوط به شخصیت، در برابر حقوق مربوط به اموال است (همان، ص ۱۲).

۳. مبانی فکری حق بازپس‌گیری و آثار آن

مبانی حق بازپس‌گیری را باید همان مبناهایی دانست که مؤید وجود و مشروعیت حقوق معنوی برای پدیدآور هستند؛ یعنی محافظت و حمایت از منافع شخصیتی نویسنده در اثر (Françon & Ginsburg, 1985, P. 381). در حقوق فرانسه، با تلقی اثر به‌عنوان «امتداد شخصیت مؤلف» (Lucas & Lucas, 2022, P. 461)، «پدیدآورندگان نباید مجبور به تحمل بهره‌برداری از اثرهایی باشند که به دلیل پیوند ناگسستنی بین آن‌ها و «فرزند معنوی»شان، دیگر نمایانگر شخصیت آن‌ها نیست» (Bak, 2022, P. 141). با این نگاه، این حق «نماد حق معنوی مؤلف» شمرده شده است (Lucas & Lucas, 2022, P. 463) اما اگرچه مؤلف می‌تواند مانع فروش‌های آینده اثر خود شود؛ اما نسخ فروخته شده در اختیار مالکین را نمی‌تواند بازپس بگیرد (https://ligue.auteur, 2023).

با تکیه بر این مبنای عقلی، اجرای حق بازپس‌گیری، محدود به پشیمانی از جهت فکری است و اجرای این حق در مواقعی که مؤلف آن را به دلایل مادی اعمال می‌کند، از نظر دادگاه‌ها محکوم به رد است (کرنو و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۸. نیز کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۹). بر این مبنا، در یک دعوای حقوقی^۱ دادگاه رأی داد: علت درخواست مؤلف، یعنی «نارضایتی از میزان حق‌التألیف^۲»، نمی‌تواند علتی مشروع برای اعمال حق معنوی باشد. به تعبیر دادگاه، اقدام خواهان، نوعی سوءاستفاده از یک حق معنوی است و مؤلف نمی‌تواند صرفاً بر مبنای منافع مالی یا نارضایتی اقتصادی از قرارداد اولیه، اعمال حق بازپس‌گیری را درخواست کند.^۳

شدت حمایت از شخصیت مؤلف در حقوق مالکیت فکری چنان است که «برخلاف صراحت ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه که می‌گوید: «قراردادهایی که به طور قانونی منعقد شده‌اند، جایگزین قانون برای کسانی می‌شوند که آن‌ها را منعقد کرده‌اند»، اراده اختیاری مؤلف که در حق بازپس‌گیری تجلی یافته است، به او امکان می‌دهد که با اعمال حق بازپس‌گیری، قرارداد خود با ناشر را به شکل یکطرفه فسخ کند. به همین دلیل، حق بازپس‌گیری اثر توسط مفسران به‌عنوان «نماد حق معنوی در برابر الزام‌آور بودن قرارداد مطرح شده است (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۹) و در تمام قراردادهای واگذاری حقوق مالی، بجز آثار رایانه‌ای اعمال می‌شود (م ۷ - ۱۲۱ ق. م. ف) (کرنو و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۷).^۴ در حقوق غربی نیز موافقان و مخالفان این حق، آن را از مستثنیات اصل لزوم قرارداد شمرده‌اند (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۷، P. 130, 2022. Bak).

۴. حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری فرانسه

پیش از شناسایی حق بازپس‌گیری در ماده ۳۲ قانون شماره ۵۷-۲۹۸ مورخ ۱۱ مارس ۱۹۵۷، دادگاه‌ها وجود آن را به رسمیت نمی‌شناختند. این ماده متعاقباً به موجب قانون شماره ۹۲-۵۹۷ مورخ یک ژوئیه ۱۹۹۲ در ماده ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه^۵ تدوین و تثبیت شد (Fortunet, 2011, P. 535). مفاد این ماده که مدون‌ترین مقرر قانونی در تبیین حق بازپس‌گیری است، به روشنی نشان می‌دهد که «در هر نظام حقوق معنوی، امکان تعارض با حقوق قراردادی و مالکیت ذاتی است» (Françon & Ginsburg, 1985, P. 384) و به مؤلف اجازه می‌دهد تا به استناد دلایل فکری، زیباشناختی یا اخلاقی، از اجرای مفاد قرارداد انتقال خودداری کند» (Fortunet, 2011, P. 535).

1. Cass, civ . 1, 14 mai 1991, JCP 1991, II, 21760, note F. Polland - Dulian ; RIDA n° 151, janvier 1992, p. 272, note p. Sirinelli

2. royalties / redevances

3. Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 14 mai 1991, 89-21.701, Publié au bulletin in https://www.legifrance.gouv.fr.

۴. به‌عنوان نمونه‌ای تازه درباره فروش اثر هنری نگاه کنید به:

Paris, 6 juin 2000, Propriétés intellectuelles, octobre 2001, no 1. P. 61.

5. Code de la propriété intellectuelle (IPC)

حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری فرانسه به مؤلفان اجازه می‌دهد آثار خود را تحت شرایط خاصی از انتشار یا بهره‌برداری خارج کنند (صفایی، ۱۳۶۸، ص ۸۶). این حق از تمایزات حقوق فرانسه با نظام حقوقی کامن‌لا شمرده می‌شود، چرا که در دیگر نظام‌ها چنین حقوقی یا ضعیف‌تر به رسمیت شناخته شده‌اند یا اصولاً وجود ندارند (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۷). در متون قانونی فرانسوی از حق بازپس‌گیری که آن را «نماد حق معنوی مؤلف» دانسته‌اند و به گفته برخی، انعکاسی از نگاه حقوق فرانسه به اثر به‌عنوان «امتداد شخصیت مؤلف» است (Lucas & Lucas, 2022, PP. 461-463). تعریفی ارائه نشده؛ اما گفته شده که وجود آن، استثنایی بر دو اصل بنیادین حقوق قراردادها است: (۱) اصل الزام‌آور بودن قرارداد؛ (۲) اصل آزادی قراردادی^۲ (Fortunet, 2011, P. 535، کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۹)

۵. حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری انگلستان

در انگلستان، حقوق معنوی مؤلف به طور قانونی در «بخش اول از فصل چهارم قانون کپی‌رایت، طرح‌ها و اختراعات ۱۹۸۸»^۳ بیان شده‌اند و عبارتند از: حق انتساب،^۴ حق مخالفت با تحریف یا مخدوش کردن،^۵ حق مخالفت با انتساب نادرست،^۶ حق رازداری در برخی فیلم‌ها و عکس‌ها.^۷ با این حال، هیچ‌گونه حق بازپس‌گیری به مفهوم فرانسوی آن در این چارچوب وجود ندارد^۸ و چنین حقی، جز در صورت تصریح در قرارداد، از سوی مؤلف، قابل اعمال نیست (Bently & Sherman, 2022, PP. 268-270). علت این محدودیت را باید در ساختار حقوقی کامن‌لا و تأکیدش بر اصل قراردادگرایی جستجو کرد. بر اساس این نظام، مؤلف پس از واگذاری حقوق بهره‌برداری اثر خودش، حق بازپس‌گیری از این انتقال یا بازپس‌گیری حقوق مزبور را ندارد، مگر در صورت پیش‌بینی چنین حقی در قرارداد یا در صورت رضایت طرف مقابل. (Cornish, Llewelyn & Aplin, 2019, PP. 491-495). در حقوق مالکیت فکری انگلستان، تمرکز اصلی بر حقوق مادی است و حقوق معنوی نیز محدودتر از آن چیزی است که در حقوق فرانسه وجود دارد. در حقوق انگلستان، هنگامی که مؤلف، حقوق مادی اثر را از طریق قرارداد به ناشر یا تهیه‌کننده منتقل می‌کند، این قرارداد الزام‌آور و نهایی است و هیچ حق ذاتی برای بازگرداندن اثر به مؤلف (به دلیل تغییر نظر، ندامت، یا دلایل اخلاقی) وجود ندارد؛ مگر آن‌که در خود قرارداد چنین شرطی آمده باشد؛^۹ چرا که «حق افشای اثر و حق بازپس‌گیری یا اصلاح اثر در نظام کپی‌رایت، از جمله حقوق معنوی پدیدآورنده به حساب نمی‌آید و اساساً چنین حمایتی به‌عنوان حقوق مالکیت فکری و یا سایر قواعد حقوقی وجود ندارد» (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۳۱). از همین رو، نویسندگان حقوقی متعددی به فقدان حق ندامت در نظام‌های کامن‌لا اشاره کرده‌اند و آن را یکی از تفاوت‌های مهم با نظام حقوق فرانسه دانسته‌اند (Ginsburg, 2002, PP. 65-78).

۶. حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری آمریکا

پایه حقوق کپی‌رایت آمریکا اساساً با نظریه‌ای که زیربنای حمایت فرانسه از حقوق مؤلف و به‌ویژه حقوق معنوی او است، تفاوت دارد. مبنای نظام کپی‌رایت آمریکا، همان‌طور که در قانون اساسی این کشور آمده، اعطای انحصار حقوق اقتصادی به نویسندگان است. این انحصار به‌عنوان انگیزه‌ای برای خلق آثار در نظر گرفته می‌شود که در نهایت به سود عموم تمام شود. در مقابل، در فرانسه، صرفاً «فعل خلق اثر»، مبنای حمایت از مؤلف محسوب می‌شود. بنابراین، حمایت فرانسه از نویسندگان و حقوق معنوی آن‌ها ناشی از نوعی مبادله بین خالق و جامعه نیست؛ بلکه بیش‌تر از مفاهیم حقوق طبیعی سرچشمه می‌گیرد. نویسنده حمایت می‌شود، زیرا اثر او جنبه‌ای از شخصیت او را نمایان می‌سازد (Françon & Ginsburg, 1985, P. 383).

1. force obligatoire du contrat

2. autonomie contractuelle

3. Part I, Chapter IV of the Copyright, Designs and Patents Act 1988 (CDPA)

4. right of attribution

5. right to object to derogatory treatment

6. false attribution

7. right to privacy in certain films and photographs

8. UK Parliament. (1988). *Copyright, Designs and Patents Act 1988*, c. 48. <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1988/48>.

9. UK Intellectual Property Office. (2021). *Copyright notice: Moral rights*. Retrieved from <https://www.gov.uk/government/publications/copyright-notice-moral-rights>.

در ایالات متحده، نگاه به اثر کاملاً اقتصادی است. قانون کپی‌رایت ایالات متحده (۱۹۷۶) حقی به نام بازپس‌گیری را به‌عنوان یکی از حقوق معنوی پدیدآور به رسمیت نمی‌شناسد و در نتیجه، مؤلف صرفاً به دلیل تغییر عقیده‌اش چنین حقی ندارد، مگر در قالب یک سازوکار محدود که در ذیل عنوان ۱۷ از **قانون ایالات متحده**^۱ درج شده است.

البته رژیم حقوق معنوی فرانسه مدت‌ها است توجه حقوقدانان آمریکایی در حوزه کپی‌رایت را به خود جلب کرده و بسیاری از پژوهشگران در آثار خود، خواستار تفسیرها یا اصلاحات قانونی در نظام کپی‌رایت داخلی آمریکا شده‌اند. همچنین کنگره آمریکا چندین بار لایحه‌هایی را بررسی کرده که هدف آن‌ها، همچون حقوق فرانسه، اعطای حقوق تمامیت اثر و انتساب به خالقان آثار هنرهای تجسمی بوده؛ اما هر بار، تصویب این لوایح با شکست روبه‌رو شده است. با این حال، ایالت‌های نیویورک، کالیفرنیا و اخیراً ماساچوست شکل‌های محدودی از حمایت حقوق معنوی برای هنرمندان تجسمی را به رسمیت شناخته‌اند (Françon & Ginsburg, 1985, p. 382)؛ هرچند که به طور کلی، حقوق مالکیت فکری این کشور، امکان بازپس‌گیری آثار واگذار شده توسط مؤلفان و وراثت^۲ آن‌ها را تحت شرایطی مشخص پیش‌بینی کرده و این امر عمدتاً از راه توسل به بند ۲۰۳ و بند ۳۰۴^۳ قانون کپی‌رایت ایالات متحده (۱۹۷۶)^۴ امکان‌پذیر است.

۷. حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری کانادا

با آن‌که در قانون کپی‌رایت کانادا (۱۹۸۵)^۵ به انتقال حقوق مادی اشاره شده، اما حقی به‌عنوان حق بازپس‌گیری اثر مورد شناسایی قانونگذار کانادایی قرار نگرفته (Dubé, 2010, P. 12) و تنها در بند ۱ از ماده ۱۴ این قانون به برگشت خودبه‌خودی حقوق انتقال یافته مادی از سوی مؤلف به وارثان قانونی او اشاره شده است. طبق این ماده: «... حتی اگر مؤلف در قرارداد توافق کرده باشد که این حقوق دائمی باشند، آن توافق باطل است و نمی‌تواند مانع بازگشت حقوق شود» (<https://lois-laws.justice.gc.ca/PDF/C-42.pdf>).

۸. حق بازپس‌گیری در حقوق مالکیت فکری ایتالیا

در ایتالیا حق بازپس‌گیری، همچون کشورهای فرانسه، اسپانیا و یونان، به شکل مضیق و محدود، و منوط به برخی استثنائات به رسمیت شناخته شده (Bak, 2022, PP. 127) است و «مؤلف باید دلایل و توجیهات قوی مبنی بر به خطر افتادن شخصیت و اعتبارش داشته باشد» (شاکری و جعفرپور، ۱۴۰۱، ص ۱۹).

«مواد ۱۴۲ قانون شماره ۶۳۳ مورخ ۲۲ آوریل ۱۹۴۱ ایتالیا با عنوان «قانون حمایت از حق مؤلف و حقوق مجاور» که آخرین بار به موجب فرمان قانونی شماره ۱۵۴ مورخ ۲۶ مه ۱۹۹۷ اصلاح شده، مقرر می‌دارد: هرگاه دلایل جدی اخلاقی ایجاد شود، مؤلف حق دارد اثر خود را از بازار خارج کند؛ مشروط بر آن‌که مسئولیت جبران خسارت اشخاصی را بپذیرد که حقوق تکثیر، انتشار، اجرا یا فروش اثر را به دست آورده‌اند. این حق، شخصی است و قابل انتقال نیست. برای اعمال این حق، مؤلف باید قصد خود را به اشخاصی که حقوق را به آنان منتقل کرده و همچنین به دفتر رئیس شورای وزیران اطلاع دهد. این دفتر موظف است اطلاعیه عمومی را طبق مقررات منتشر نماید. ظرف یک سال از تاریخ آخرین اطلاع‌رسانی و انتشار، اشخاص ذینفع می‌توانند به مقام قضایی مراجعه کنند تا یا با اعمال این حق مخالفت کنند یا حکم به تعیین و پرداخت خسارت بگیرند. افزون بر این، طبق ماده ۱۴۳ این قانون، اعمال چنین حقی مشروط بر آن است که خسارت اشخاص ذینفع پرداخت شود. همچنین میزان خسارت و مهلت پرداخت توسط دادگاه تعیین خواهد شد. پیش از انقضای مهلت مقرر در بند پایانی ماده ۱۴۲، مقام قضایی می‌تواند بنا به درخواست و در صورت وجود دلایل فوری، ممنوعیت موقت را صادر کند؛ مشروط بر این‌که تأمین مناسبی پرداخت شده باشد. اگر خسارت در مهلت مقرر توسط مقام قضایی پرداخت نشود، آثار حکم خودبه‌خود از بین خواهد رفت.» (Fortunet, 2011, P. 536).

1. Title 17 of the United States Code
 2. heirs
 3. Section 203 & 304
 4. U.S. Copyright Act of 1976
 5. Copyright Act, R.S.C., 1985.

۹. حق بازپس‌گیری در حقوق آلمان

«در حقوق آلمان، حق بازپس‌گیری دامنه گسترده‌تری از حقوق فرانسه دارد؛ به نحوی که این حق نه تنها به دلیل تغییر اعتقادات پدیدآورنده، بلکه با انگیزه‌های صرفاً مالی و مادی که از آن به منافع مشروع پدیدآورنده تعبیر می‌شود نیز ممکن است (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳).

ماده ۴۲ قانون حق مؤلف و حقوق مجاور آلمان، مصوب ۹ سپتامبر ۱۹۶۵ که آخرین بار به موجب قانون ۱۶ ژوئیه ۱۹۹۸ اصلاح شد، تحت عنوان «حق فسخ به دلیل تغییر عقیده» چنین مقرر می‌دارد:

۱. مؤلف می‌تواند حق بهره‌برداری را فسخ کند؛ اگر اثر، دیگر بازتاب‌دهنده باور یا اعتقاد او نباشد و بنابراین نتوان از او انتظار داشت که همچنان با بهره‌برداری از اثر موافقت کند. قائم‌مقام مؤلف تنها در صورتی می‌تواند این حق فسخ را اعمال کند که ثابت نماید پیش از مرگ، مؤلف حق فسخ داشته، اما از اعمال آن بازمانده یا این که به موجب وصیتنامه چنین حقی را اعمال کرده است.

۲. حق فسخ را نمی‌توان از پیش اسقاط کرد و اعمال آن را نمی‌توان منتفی دانست.

۳. مؤلف باید به طور عادلانه انتقال‌گیرنده حق بهره‌برداری را جبران خسارت نماید. این جبران باید حداقل هزینه‌هایی را پوشش دهد که انتقال‌گیرنده پیش از اطلاع از فسخ متحمل شده است. با این حال، هزینه‌های مربوط به استفاده‌هایی که پیش‌تر تکمیل شده‌اند، در نظر گرفته نخواهند شد. فسخ تنها زمانی نافذ می‌شود که مؤلف این هزینه‌ها را پرداخت کرده یا تأمین مناسبی برای آن‌ها فراهم آورده باشد. انتقال‌گیرنده باید ظرف سه ماه از تاریخ اعلام فسخ، میزان هزینه‌های خود را به مؤلف اعلام کند. در غیر این صورت، فسخ با انقضای این مهلت خودبه‌خود نافذ خواهد شد.

۴. چنانچه مؤلف پس از فسخ تصمیم بگیرد دوباره از اثر خود بهره‌برداری کند، موظف است همان نوع حق بهره‌برداری را بر شرایط معقول، ابتدا به انتقال‌گیرنده پیشین پیشنهاد کند.

همچنین ماده ۴-۴۲ این قانون مقرر می‌دارد: چنانچه پدیدآورنده بخواهد بهره‌برداری مجدد از اثر را پس از اعمال حق بازپس‌گیری خود از سر گیرد، باید حق بهره‌برداری مشابه با حق بهره‌برداری قبلی به دارنده قدیمی آن تحت شرایط متعارف پیشنهاد کند (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴-۱۲۳). از همین رو گفته شده: «الزام بسیار سختگیرانه برای جبران خسارت عملاً مانع استفاده نویسندگان از این حق می‌شود» (Bak, 2022, P. 124).

۱۰. حق بازپس‌گیری در سایر کشورهای اروپایی

در کشورهای فرانسه، اسپانیا، یونان و ایتالیا که حق بازپس‌گیری را به رسمیت می‌شناسند، این حق به‌عنوان یک حق معنوی مستقل برای نویسندگان تعریف شده است. ... در آلمان و پرتغال، حق بازپس‌گیری، یک حق معنوی محسوب نمی‌شود، بلکه یک ابزار حقوقی (راهکار قانونی) است که به نویسندگان داده شده تا به همان هدف برسند (Bak, 2022, P. 126).

البته این حق در کشورهای فنلاند، سوئد و دانمارک وجود ندارد. به همین ترتیب، این حق در حقوق اتریش یا بلژیک هم پیش‌بینی نشده است و در نظام حقوقی بلژیک، حق پس‌گرفتن اثر حتی مغایر با اصل «قرارداد-قانون»^۱ تلقی می‌شود (Bak, 2022, P. 125).

۱۱. حق بازپس‌گیری در اسناد جهانی

در پیمان ژنو درباره حق مؤلف که در ۱۹۵۲ به ابتکار یونسکو منعقد و در ژوئیه ۱۹۷۱ اصلاح شد، تصریح مشخصی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار نشده و مشخصاً «حق معنوی مؤلف به سکوت برگزار شده است» (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۸، ص ۳۲۱). البته از دیدگاه بین‌المللی، اگرچه کنوانسیون برن چنین حق اخلاقی‌ای را به‌صراحت به رسمیت نمی‌شناسد، اما به آن

1. convention-loi (قرارداد همچون قانون)

اشاره دارد. بدین ترتیب، کشورهای عضو می‌توانند چنین امتیازی را به حقوق اخلاقی متعارف حمایت شده در این کنوانسیون بین‌المللی بیفزایند (Fortunet, 2011, P. 537).

همچنین در موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)^۱ که از سوی سازمان تجارت جهانی^۲ مدیریت می‌شود و حداقل استانداردهای جهانی را برای قوانین مربوط به انواع مالکیت فکری در کشورهای عضو تعیین می‌کند،^۳ با آن که در بخش سوم با عنوان «اجرای حقوق مالکیت فکری»^۴ تضمینات مختلفی برای نقض حقوق مالکیت فکری پیش‌بینی شده، اما درباره حقی که با مفهوم «بازپس‌گیری» همخوانی داشته باشد، حکم و مقرره‌ای دیده نمی‌شود. همچنین معاهده وایپو راجع به حق مؤلف ۱۹۹۶ هم حق بازپس‌گیری را به رسمیت نشناخته‌اند (زرکلام، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵. نیز محسنی و قبولی درافشان، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲؛ قاسمی، ۱۳۸۵، ص ۱۶۶، شاکری و جعفرپور، ۱۴۰۱، ص ۱۹) و در واقع، «این موضوع در یکی از کم‌هماهنگ‌ترین حوزه‌های حقوق بین‌الملل مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرد؛ یعنی حقوق معنوی» (Bak, 2022, P. 125).

۱۲. حوزه شمول حق بازپس‌گیری

حق مؤلف همه آثار ادبی را در بر می‌گیرد و آثار هنری (نقاشی، موسیقی و غیره) را نیز شامل می‌گردد (Tarabay, 2019, PP. 84-85)؛ اما درباره حقوق مالکیت صنعتی، به شرح ماده ۵-۱۳، ۲۴-۶۱۳ و ۱-۷۱۴ قانون مالکیت فکری فرانسه، از اصطلاح «حق بازپس‌گیری» استفاده نمی‌شود، بلکه اصطلاح «حق انصراف»^۵ به کار می‌رود.

با همان محدودیت‌ها و استثناهایی که درباره مؤلفان عادی وجود دارد، هنگامی که مؤلف اثر فکری، یک مأمور دولت، یک مقام وابسته به یک جمعیت محلی، یک مؤسسه عمومی با ماهیت اداری، یک مرجع اداری مستقل دارای شخصیت حقوقی، بانک فرانسه، مؤسسه فرانسه^۶، فرهنگستان فرانسه، فرهنگستان کتیبه‌ها و ادبیات^۷، فرهنگستان علوم، فرهنگستان هنرهای زیبا، یا فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی باشد، این حق از او سلب نخواهد شد. با این حال، مقررات مواد ۱-۷-۱۲۱ و ۱-۳-۱۳۱ تا ۳-۳-۱۳۱ درباره مأمورانی که مؤلف آثاری هستند که افشای آن‌ها طبق مقررات مربوط به وضعیت استخدامی یا وظایفشان، مشمول هیچ‌گونه کنترل قبلی از سوی مقام مافوق نیست، اعمال نمی‌شود. آرای مختلف دیوان کشور فرانسه نیز مؤید همین برداشت است، از جمله:

- رأی دیوان تمیز (شعبه یک حقوقی، مورخ ۴ ژوئن ۱۹۷۱)، درباره تقسیم اموال مشترک دوران زناشویی، از جمله آثار هنری که توسط هریک از زوجین در طول زندگی مشترک خلق شده‌اند.^۸
- رأی دیوان تمیز فرانسه، شعبه کیفری، مورخ ۱۳ دسامبر ۱۹۹۵ در پرونده کولت و دیگران (به اتهام جعل، نقض حقوق مؤلف درباره چند اثر گرافیکی نقاشی، نقض حق افشا).^۹

۱۳. صاحب حق بازپس‌گیری

با وجود تأکیدهای اولیه دکنترین حقوقی فرانسه در قرن گذشته، مبنی بر این که «حق وراثت دقیقاً همان حق مؤلف است»،^{۱۰} «حق معنوی پس از مرگ، از یک سو با حذف شدن حق عدول و بازپس‌گیری ناقص می‌گردد و از سوی دیگر با تقسیم و پراکندگی

1. Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)

2. World Trade Organization (WTO)

3. Cf: https://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips_01_e.htm

4. Enforcement of Intellectual Property Rights

5. renoncer

6. Institut de France

7. Académie des inscriptions et belles-lettres

8. Cour de Cassation, Chambre civile 1. (1971, juin 4). Arrêt n° 69-13.874, publié au bulletin. Legifrance. <https://www.legifrance.gouv.fr>. Francis

9. Cour de Cassation, Chambre criminelle. (1995, December 13). Arrêt n° 93-85.256, publié au bulletin. Legifrance. <https://www.legifrance.gouv.fr>

10. Pouillet, Eugène (1879), *Traité théorique et pratique de la propriété littéraire et artistique et du droit de représentation*, 1ère ed., Paris, n° 337, P. 280.

سایر امتیازات در فرایند جانشینی تجزیه می‌شود و بدین ترتیب، دیگر نمی‌تواند تمامی نیرو و قدرت خود را حفظ کند» (Bouloc, 2013, P. 29). با این وصف، «حق بازپس‌گیری تنها توسط نویسندگان قابل اعمال است؛ چرا که آن‌ها خالقان اثر هستند» (Bak, 2022, P. 127 نیز کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

«عدم قابلیت انتقال حق پشیمانی به وراث با این واقعیت پشتیبانی می‌شود که بر خلاف حق انتشار اثر، که صراحتاً امکان انتقال آن به وراث را فراهم می‌کند، ماده ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه چنین بندی ندارد. بر پایه یک حکم، «حق بازپس‌گیری اساساً شخصی مؤلف است و به وراث او منتقل نمی‌شود. [بنابراین] وراث تنها می‌تواند بر اساس وصیت صریح مؤلف پیش از مرگش، تقاضای عدم انتشار بخشی از اثر او را داشته باشند» (Fortunet, 2011, P. 538). البته رویه قضایی نیز قابلیت انتقال این حق را رد کرده و به این ترتیب، پس از درگذشت مؤلف، تنها موضوعی که باقی می‌ماند، تعیین شیوه انتقال حق احترام به اثر و حق انتساب اثر، از راه ارث است» (Bouloc, 2013, P. 8).

۱۴. میزان تغییر در عقیده صاحب اثر

در دکتربین حقوقی فرانسه، «تغییر عقیده» که مجوز اعمال این حق است و «نماد برجسته و افراطی حق معنوی» (Lucas et al., 2020) شمرده می‌شود، به عنوان یک تحول باطنی، عمیق و صادقانه در نگرش، باورها یا ارزیابی هنری و فکری پدیدآورنده تعریف می‌شود. این تغییر باید ریشه در «وجدان فکری و هنری» مؤلف داشته باشد.

در باره میزان تغییر عقیده که علت اصلی استحقاق مؤلف در استفاده از حق بازپس‌گیری است، از جمله گفته شده: «اختلاف قابل توجهی بین تفکر جدید خالق و دیدگاه مندرج در اثرش» (صاحب و مرادی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶)؛ اما آشکار است که این تعبیر کلی، پای سلیقه و نظر را به امر حقوقی و قضایی باز می‌کند. همچنین گفته شده: رویه قضایی اجازه نمی‌دهد که این تغییر عقیده صرفاً به دلایل مالی یا ابزاری برای سوءاستفاد قراردادی باشد. در نتیجه، اگر مؤلف صرفاً بخواهد با تهدید به بازپس‌گیری، از ناشر پول بیشتری بگیرد، دادگاه‌ها این اقدام را سوءاستفاده تلقی کرده‌اند (www.artcena and https://ligue.auteur, 2023). به این ترتیب، اجرای این حق «مشروط بر این است که چنین تغییر نظری ناشی از انگیزه‌های مالی یا سوءاستفاده‌آمیز نباشد» (Fortunet, 2011, P. 535)، بلکه «تغییر عقیده» یک تحول باطنی، عمیق و صادقانه در نگرش، باورها یا ارزیابی هنری و فکری پدیدآورنده نسبت به اثر است و این تغییر باید ریشه در وجدان فکری و هنری او داشته باشد و نمی‌تواند برای کسب شرایط مالی بالاتر مورد استفاده قرار گیرد (https://ligue.auteur, 2023). با این وصف، موارد زیر از مصادیق تغییر عقیده معرفی شده است:

الف) تغییر در ارزیابی هنری^۱ مؤلف به گونه‌ای که با گذشت زمان، اثرش را از نظر فنی و زیبایی‌شناختی، ناپخته، ضعیف یا ناقص ببیند. پروفوسور پیر سیرینلی در تفسیر خود بر ماده ۴-۱۲۱ تأکید می‌کند که این حق ناشی از «تغییر در قضاوت هنری نویسنده نسبت به اثرش» است (Sirinelli, 2021).

ب) تغییر در باورهای فکری و ایدئولوژیک^۲ نویسنده که از مهم‌ترین و شایع‌ترین علل در دکتربین شناخته می‌شود. هنری-ژان رنو معتقد است که این حق به پدیدآورنده اجازه می‌دهد تا «خود را از اثری که دیگر با عقاید عمیقش مطابقت ندارد، رها سازد» (Renaud, 2018).

پ) تغییر در نگرش اخلاقی^۳ مؤلف. در این مورد، کریستف کارون استدلال می‌کند که حق بازپس‌گیری زمانی قابل درک است که اثر «با تحول اخلاقی یا فکری نویسنده در تضاد باشد» (Caron, 2019).

توجه به مصادیق ابراز شده نشان می‌دهد که مفهوم «تغییر عقیده» حتی از نگاه مؤلفان حقوقی، روشن و منجز نیست و همین امر تصمیم‌گیری حقوقی و قضایی درباره تحقق یا عدم تحقق آن را آشکار می‌کند. ای‌بسا همین پیچیدگی و ناروایی

1. conscience intellectuelle et artistique

2. in good faith

3. evolution du jugement artistique

4. changement de convictions intellectuelles ou idéologiques

5. changement de perspective morale

باعث گردیده که در عمل، اعمال این حق عموماً به دست مؤلف سپرده شود و با این تضمین همراه شود که مؤلف برای قبول پیامدهای مالی تشخیص و ادعای خود، هزینه‌های ناشر (منتقل‌آلیه) را جبران کند. به همین خاطر، دادگاه‌ها در بررسی ادعای تغییر عقیده، عمدتاً به اظهارات خود پدیدآورنده اکتفا می‌کنند و وارد بررسی ماهوی «درستی یا نادرستی» این تغییر نمی‌شوند. این یک قضاوت ذهنی^۱ است. با این حال، پدیدآورنده باید بتواند صادقانه بودن این تغییر را نشان دهد. اما تبعات اعمال این حق کاملاً واقعی و عینی^۲ است: جبران خسارت مالی طرف مقابل (Lucas et al., 2020).

۱۵. تشریفات و چگونگی اعمال حق بازپس‌گیری

۱۵-۱. جبران خسارات منتقل‌آلیه

اعمال حق بازپس‌گیری در صورتی ممکن است که اثر، افشا شده و بهره‌برداری از آن در جریان باشد» (کرنو و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۵۷). به تعبیر دیگر «این حق ادامه حق افشا و اعلان محسوب می‌شود» (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۹). «طبق ماده ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه، مؤلف تنها زمانی می‌تواند حق پشیمانی را اعمال کند که «ابتدا خسارت‌های احتمالی ناشی از بازنگری یا پس گرفتن اثر را به منتقل‌آلیه جبران کرده باشد» (Lucas & Lucas, 2022, PP. 461-463). این جبران باید پیش از پس گرفتن اثر انجام شود (صفایی، ۱۳۶۸، ص ۶۸ و شاکری و جعفرپور، ۱۴۰۱، ص ۱۹) و اعم است از هزینه و عدم‌النفع و در واقع، رفع خسارت از پیش، عاملی است بازدارنده در اعمال این امتیاز جهت جلوگیری از اعمال متقلبانه (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

«شرایط قانونی سختگیرانه که توسط قانون مقرر شده و تفسیر شدید قضاات از این مقررات، اعمال حق بازنگری یا پس گرفتن اثر را از نظر اقتصادی برای مؤلف بسیار دشوار کرده است (Fortunet, 2011, P. 541)؛ چنان‌که «هم دستگاه قضایی و هم دکتین (جامعه دانشگاهی حقوق) شرایطی حتی سخت‌گیرانه‌تر را شناسایی کرده و اعمال این حق را صرفاً در صورتی مجاز می‌شمارند که:

۱. توسط خود مؤلف اعمال شود،
۲. ناظر به حقوق مالی باشد،
۳. نسبت به اثر او باشد، و
۴. اثر قبلاً افشا شده باشد. البته در عصر اینترنت، می‌توان استدلال کرد که باید شرایط بیش‌تری نیز بر این حق حاکم شود» (Fortunet, 2011, P. 535).

به ترتیبی که گفته شد، در واقع، شرط جبران خسارت به‌عنوان یک «سازوکار غربالگری» عمل می‌کند؛ یعنی تنها در صورتی که تغییر عقیده آن قدر برای پدیدآورنده جدی و اصولی باشد که حاضر به پرداخت بهای گزاف مالی آن باشد، می‌تواند اقدام به اعمال این حق بزند. چنین سازوکاری، مانع از اعمال سلیقه‌ای و بی‌ضابطه این حق می‌شود (Dufour, 2019, P. 38). «میزان خسارت پرداختی توسط مؤلف شامل موارد آتی است: ۱) «ضرر از دست رفته» که به سود از دست‌رفته منتقل‌آلیه اشاره دارد. ۲) ضرر واقعی که شامل هزینه‌های تولید، توزیع، بازاریابی و تبلیغات اثر است که توسط منتقل‌آلیه در انتظار بهره‌برداری صرف شده است. اگر قضاات تشخیص دهند که برای منتقل‌آلیه پیش‌بینی می‌شد مؤلف از حق پشیمانی استفاده کند، بخشی از ضرر واقعی بر عهده منتقل‌آلیه خواهد بود. در مورد زمان جبران خسارت، ماده ۴-۱۲۱ صراحتاً بیان می‌کند که این جبران باید پیش از اعمال حق پشیمانی انجام شود. این شرط به‌عنوان ضمانت اضافی برای منتقل‌آلیه در نظر گرفته می‌شود، به طوری که او می‌تواند بهره‌برداری از اثر را ادامه دهد تا زمانی که خسارتش جبران نشده باشد (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

تکلیف به پرداخت هزینه‌ها به صورت پیشاپیش، دلیل اصلی عدم اجرای عملی حق بازپس‌گیری به‌شمار می‌رود. برای نمونه، در حقوق آلمان تقریباً هیچ سابقه قضایی مرتبط با حق بازپس‌گیری وجود ندارد. به همین ترتیب، حق بازپس‌گیری در فرانسه نیز

چندان به طور گسترده اجرا نمی‌شود، زیرا اعمال این حق ممکن است بسیار پرهزینه باشد. در نتیجه، این الزام بیش از آن که به ایجاد تعادل منجر شود، به غیرقابل اجرا بودن کلی و کمیابی پرونده‌های قضایی انجامیده است. بنابراین، سختگیری بیش از حد در این زمینه، دومین مشکل اساسی اعمال حق بازپس‌گیری محسوب می‌شود. این چشم‌انداز ناهماهنگ، نخستین مشکل در مسیر گسترش استفاده از حق بازپس‌گیری و همچنین هماهنگ‌سازی حقوق نشر در اروپا به شمار می‌رود (Bak, 2022, P. 127).

۱۵-۲. تعهد به ارائه دوباره حقوق بهره‌برداری ابتدا به منتقل‌آلیه

«در صورتی که مؤلف پس از اعمال حق بازپس‌گیری، تصمیم به بهره‌برداری دوباره از اثر خود بگیرد، ملزم است که پیشنهاد مجدد حق بهره‌برداری از اثر را در وهله‌ی نخست به همان انتقال‌گیرنده پیشین بدهد (Fortunet, 2011, P. 535). این حکم را ماده ۴-۱۲۱ قانون حقوق مالکیت فکری فرانسه به صراحت بیان کرده، به این شکل که اگر مؤلف دوباره تغییر عقیده داد، ملزم به مراجعه به انتقال‌گیرنده اولیه، تحت همان شرایط تعیین شده اولیه می‌باشد. در مورد این حق هم دلیل خاصی وجود ندارد که آن را مستثنا از اصل کلی بدانیم که مطابق آن، هر حقی می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد» (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۹). در این شرایط، که به «حق پس گرفتن معکوس» معروف است، مؤلف باید حقوق بهره‌برداری خود را ابتدا به منتقل‌آلیه‌ی که در ابتدا انتخاب کرده بود ارائه دهد. پیش‌بینی چنین حکمی در قانون مالکیت فکری فرانسه و کشورهای هم‌سخن با فرانسه، منافع منتقل‌آلیه را حفظ می‌کند و مانع از این می‌شود که مؤلف صرفاً برای پایان دادن به قرارداد بهره‌برداری با منتقل‌آلیه و انعقاد قرارداد سودآورتر با شخص ثالث از حق پشیمانی استفاده کند (کلمبه، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

۱۶. جمع‌بندی و ارائه پیشنهاد

اجرا و اعمال حق بازپس‌گیری در کشورهایی که آن را پذیرفته‌اند، چنان سخت و دشوار است که در عمل، از آغاز پذیرش آن در نظام حقوقی فرانسه، سابقه بسیار اندک و غیرقابل ذکری برای آن وجود دارد (Bak, 2022, P. 127) تا جایی که باید این حق را به لحاظ نظری، یک «حق نمایشی» شمرد؛ مضافاً این که با پیچیدگی‌های محاسبه میزان خسارات، آن هم پیش از اعمال حق بازپس‌گیری، این پیش‌شرط قابلیت تحقق ندارد، و در نتیجه در عمل، این حق از سوی مؤلفان با موانع جدی بر سر راه استیفا روبه‌رو است. اما با توجه به آنچه درباره مبانی پذیرش حق بازپس‌گیری در حقوق فرانسه و کشورهای تابع آن گفته شد، این که چرا در حقوق ایران، چنین حقی پذیرفته نشده، چندان روشن نیست و از این رو، به نظر، به لحاظ حقوقی، پذیرش این حق در حقوق مالکیت فکری ایران هیچ معنی ندارد؛ زیرا اولاً حقوق ایران سخت‌گیرانه با حقوق فرانسه دارد و در حقوق ایران هم برای پدیدآور آثار، حقوق معنوی متعددی پذیرفته شده است. ثانیاً اعمال این حق در ایران نیز با همان معاذیر موجود در فرانسه و کشورهای تابع آن روبه‌رو خواهد بود و در عمل در کشور ما نیز با گذشت دهه‌ها از زمان پذیرش حق بازپس‌گیری، سابقه قضایی برای آن یافت نخواهد شد.

افزون بر این، ایراد مخالفان اجرای این حق در ایران با اصل لزوم نیز چندان موجه نیست؛ زیرا در حقوق مدنی فرانسه نیز اصل لزوم و اعتبار قراردادهای بسیار معتبر و قابل فاع است و با این وصف، اگر همان پیش‌شرط اعمال حق در ایران نیز مورد تأیید قانونگذار ایرانی قرار گیرد، در عمل هیچ مؤلفی به سراغ اعمال و استیفای این حق نخواهد رفت.

بنابراین، از سویی برای هم‌سو شدن با دیگر کشورهایی که همانند ایران، به حقوق معنوی به جهت حمایت از حقوق معنوی پدیدآور سخت‌گیرانه‌تر دارند و از سوی دیگر، برای شناسایی یکی دیگر از حقوقی که نشانگر حمایت کامل قانونگذار ایران از شخصیت مؤلفان است، پذیرش حق بازپس‌گیری از سوی قانونگذار ایران و تصویب متنی همانند با ماده ۴-۱۲۱ قانون مالکیت فکری فرانسه در حقوق ایران پیشنهاد می‌شود و قابل دفاع است.

منابع

- امینی نژاد، علی و صفایی، سید حسین (۱۳۹۶)، «تحلیل فقهی و حقوقی موانع امکان نقل و انتقال حق معنوی مؤلف»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، س ۱۳، ش ۴۷.
- زرکلام، ستار (۱۳۹۳)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران، چ ۴، سمت.
- سجادی، عقیل (۱۳۹۷)، «نظام‌های حاکم بر رابطه حقوق اخلاقی و حقوق مادی اثر ادبی و هنری در نظام مالکیت فکری افغانستان»، دوفصلنامه تخصصی معارف اسلامی و حقوق خصوصی، دوره ۲، ش ۲.
- شاکری، زهرا و جعفرپور، یاسمن (۱۴۰۱)، «امکان‌سنجی اعمال حقوق معنوی مؤلف تحت فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات»، حقوق فناوری‌های نوین، ۳ (۶).
- صاحب، طیبه و مرادی، عباس (۱۳۹۹)، «حق انصراف از انتشار آثار ادبی (مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی و برخی نظام‌های حقوقی شناسایی‌کننده حق)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۸، شماره ۳۱.
- صادقی، محسن (۱۳۹۴)، «اصول تناسب هزینه-فایده و تحقق کارایی؛ اصول اقتصادی حاکم بر سیاست‌گذاری تقنینی و جایگاه آن در قانون‌گذاری حقوق مالکیت ادبی-هنری ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۵، ش ۴.
- صفایی، حسین (۱۳۸۶)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، چ ۲، تهران، میزان.
- قاسمی، محسن (۱۳۸۵)، «بررسی سیر تحول حقوق مؤلف در جامعه بین‌المللی»، مجله حقوقی، ش ۳۵.
- کرنو، ماری و دیگران (۱۳۹۰)، فرهنگ تطبیقی حق مؤلف و کی‌رایت، تهران، دانشگاه تهران.
- کلمبه، کلود (۱۳۹۰)، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، تهران، چ ۲، میزان.
- محسنی، سعید و قبولی درافشان، محمدمهدی (۱۳۹۱)، «حقوق پدیدآورنده اثر ادبی نسبت به اصلاح یا استرداد اثر»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، س ۱، ش ۲.
- محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۷۸)، «کنوانسیون جهانی حق مؤلف»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، ش ۴.
- نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱)، حقوق مالکیت فکری، تهران، چاپار.
- Amini Nejad, Ali, & Safaei, Seyed Hossein. (2017). "Tahlil-e feqhi va hoghoghi-ye mavaen-e emkan-e naql va enteqal-e hagh-e ma'naviy-e mo'allef." *Faslname-ye Pajouhesh-haye Feqh va Hoghugh-e Eslami*, 13(47). [in Persian]
- Zarkalam, Setar. (2014). *Hoghugh-e malekiyat-e adabi va honari* (4th ed.). Tehran: SAMT. [in Persian]
- Sajjadi, Aqil. (2018). "Nezam-haye hakem bar rabete-ye hoghugh-e akhlaghi va hoghugh-e maddi-ye asar-e adabi va honari dar nezam-e malekiyat-e fekri-ye Afghanistan." *Do-faslname-ye Takhassosi-ye Ma'aref-e Eslami va Hoghugh-e Khosusi*, 2(2). [in Persian]
- Shakeri, Zahra, & Jafarpoor, Yasaman. (2022). "Emkan-sanjy-ye e'mal-e hoghugh-e ma'naviy-e mo'allef taht-e fanavari-haye novin-e etela'at va eretabat." *Hoghugh-e Fanavari-haye Novin*, 3(6) [in Persian]
- Saheb, Tayebbeh, & Moradi, Abbas. (2020). "Hagh-e ensaraf az enteshar-e asar-haye adabi (Motale'e-ye tatbighi dar asnad-e beyn-ol-melali va barkhi nezam-haye hoghugh-i-shenasa'i-konande-ye hagh)." *Pajouhesh-haye Hoghugh-e Tatbighi*, 8(31). [in Persian]
- Sadeghi, Mohsen. (2015). "Osool-e tanasob-e hazine-fa'ide va tahaghogh-e kara'i; osool-e eghtesadi-ye hakem bar siyasat-gozari-ye taghnini va jaygah-e an dar ghanoongozari-ye hoghugh-e malekiyat-e adabi-honari-ye Iran." *Faslname-ye Motale'at-e Hoghugh-e Khosusi*, 45(4). [in Persian]
- Safaei, Hossein. (2007). *Hoghugh-e madani va hoghugh-e tatbighi* (2nd ed.). Tehran: Mizan. [in Persian]
- Ghasemi, Mohsen. (2006). "Barrasi-ye sir-e tahavol-e hoghugh-e mo'allef dar jame'e beyn-ol-melali." *Majale-ye Hoghugh*, 35. [in Persian]
- Kernot, Marie, et al. (2011). *Farhang-e tatbighi-ye hagh-e mo'allef va copyright*. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Kolombe, Claude. (2011). *Osoul-e bonyadini-ye hoghugh-e mo'allef va hoghugh-e mojaver dar jahan* (2nd ed.). Tehran: Mizan. [in Persian]
- Mohseni, Saeed, & Ghabouli Derafshan, Mohammad Mehdi. (2012). "Hoghugh-e padid-avarande-ye asar-e adabi nesbat be eslah ya esterdad-e asar." *Faslname-ye Pajouhesh-e Hoghugh-e Khosusi*, 1(2). [in Persian]
- Mohammadzadeh Vadehghani, Alireza. (1999). "Konvansiyon-e jahani-ye hagh-e mo'allef." *Faslname-ye Hoghugh*, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, 38(4). [in Persian]
- Norouzi, Alireza. (2002). *Hoghugh-e malekiyat-e fekri*. Tehran: Chapar. [in Persian]

- Bak, Ben. (2022). "Reviving a European idea: Author's right of withdrawal and the right to be forgotten under the EU's General Data Protection Regulation (GDPR)." *SCRIPTed*, 19(1). <https://doi.org/10.2966/scrip.190122.120>
- Bently, Lionel, & Sherman, Brad. (2022). *Intellectual property law* (6th ed., pp. 268–270). Oxford University Press.
- Bouloc, Camille. (2013). *L'exercice du droit moral après la mort de l'auteur*. <https://docassas.u-paris2.fr/nuxeo/site/esupversions>
- Copyright, Designs and Patents Act 1988*, c. 48. (1988). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/1988/48/contents>
- Cornish, William R., Llewelyn, David, & Aplin, Tanya. (2019). *Intellectual property: Patents, copyright, trade marks and allied rights* (9th ed., pp. 491–495). Sweet & Maxwell.
- "Droits de l'auteur sur son œuvre." (n.d.). Retrieved from <https://www.artcena.fr/precis-juridique/droits-dauteurs-et-droits-voisins/droit-dauteur/droits-de-lauteur-sur-son-oeuvre>
- Dubé, Michel. (2010). *La propriété intellectuelle: nature et portée juridique*. <https://archipel.uqam.ca/2234/2/PI-univ-ch01.pdf>
- Fortunet, Emmanuel. (2011). "The author's moral right to withdraw a work (droit de repentir): A French perspective." *Journal of Intellectual Property Law & Practice*, 6(8). <https://doi.org/10.1093/jiplp/jpr074>
- Françon, Alain, & Ginsburg, Jane C. (1985). "Authors' rights in France: The moral right of the creator of a commissioned work to compel the commissioning party to complete the work." *Columbia Law School*. https://scholarship.law.columbia.edu/faculty_scholarship
- Hennequin-March, Laurence. (2016). *La propriété intellectuelle des personnes publiques* (Doctoral thesis, Université Paris 2). <https://docassas.u-paris2.fr>
- Lucas, Alain, & Lucas, Henri-Jacques. (2022). *Traité de la propriété littéraire et artistique* (5e éd.). LexisNexis.
- Rikabi, Mahdi. (2019). *Les droits de la propriété intellectuelle et l'intérêt général (Approche en droit d'auteur et en droit des brevets)* (Doctoral thesis, Université d'Aix-Marseille).
- Tarabay, Tania. (2019). *L'atteinte au droit d'auteur par l'échantillonnage musical* (Master's thesis, Université Laval). <http://hdl.handle.net/20.500.11794/38246>
- Tetardt, Maxime. (2020). *La propriété intellectuelle*. <https://dgemc.web.ac-grenoble.fr/sites/default/files/Media>.